

تحلیل ژئوپلیتیکی توسعه جزایر سه‌گانه خلیج فارس: رویکردهای تعامل و همکاری منطقه‌ای

دکتر بهادر زارعی *

دانشیار دانشگاه تهران

آقای محمدرضا دورودیان

کارشناس ارشد دانشکاه تهران

چکیده

جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به دلیل موقعیت استراتژیک خود در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های آبی جهان، یعنی تنگه هرمز، از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بالایی برخوردارند. این جزایر به‌عنوان نقطه تلاقی منافع ملی ایران و کشورهای منطقه، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران قرار داشته‌اند. علاوه بر نقش مهم این جزایر در امنیت ملی ایران، پتانسیل‌های توسعه‌ای آن‌ها به‌ویژه در حوزه اقتصاد دریامحور، حمل‌ونقل دریایی، و گردشگری پایدار می‌تواند فرصت‌هایی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کند. با این حال، وجود تنش‌های ژئوپلیتیکی و اختلافات تاریخی میان ایران و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، مانعی برای تحقق این ظرفیت‌ها بوده است. سوال پژوهش اینست که چه عواملی بر توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس تأثیرگذار هستند؟ توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس می‌تواند نقش مثبتی در ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای داشته باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی راهبردهای توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس و تأثیر آن بر همکاری‌های منطقه‌ای می‌باشد. برای بررسی توسعه جزایر سه‌گانه خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک)، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی مناسب است. در این روش، ابتدا وضعیت ژئوپلیتیکی موجود جزایر از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بررسی می‌شود. سپس، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در زمینه توسعه این جزایر با استفاده از تحلیل محتوا و داده‌های موجود شناسایی می‌شود تا راهکارهای مناسب برای توسعه اقتصادی و ژئوپلیتیکی ارائه شود. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در تدوین استراتژی‌های همکاری منطقه‌ای و مدیریت چالش‌های بین‌المللی کمک کند. جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی) به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود در خلیج فارس، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقاط ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی ایران شناخته می‌شوند. این جزایر، به دلیل قرارگیری در نزدیکی تنگه هرمز، که یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انتقال انرژی جهان است، جایگاه ویژه‌ای در استراتژی‌های ژئوپلیتیکی ایران دارند. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کنترل این مناطق نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیکی آن‌ها در تحولات سیاسی و امنیتی خلیج فارس است. این موقعیت استراتژیک، علاوه بر ایجاد فرصت‌هایی برای ایران، چالش‌هایی نیز به همراه دارد که نیازمند مدیریت هوشمندانه و تصمیم‌گیری‌های استراتژیک است. واژگان کلیدی: ژئوپلیتیک، توسعه پایدار، جزیر سه‌گانه خلیج فارس، ایران، امارات.

مقدمه

یکی از موضوعات محوری در خاورمیانه، نظم امنیتی در خلیج فارس است. در دهه‌های گذشته، تعدادی از رویدادهای مهم مانند جنگ ایران و عراق (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، تهاجم عراق به کویت در سال ۱۹۹۱ که تبدیل

به جنگ شد، و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، امنیت را به چالش کشیده است. سیاست‌ها و تعامل بازیگران غربی مانند انگلیس و آمریکا با کشورهای این آبراه بین‌المللی. این فصل به بررسی چهار نوع ایده آل نظم امنیتی و ارتباط آنها با پویایی‌های سیاسی و امنیتی معاصر در خلیج فارس می‌پردازد: هماهنگی قدرت‌های خلیج فارس، نظم ثبات هژمونیک، نظم امنیتی جمعی و در نهایت، توازن قدرت مشارکت استدلال می‌کند که دومی نظمی است که به طور دقیق‌تر تکامل معاصر خلیج فارس و فوری‌ترین تحول آن در آینده را نشان می‌دهد (Mohammad and Sadeghiaval, 2023:15). جزایر سه‌گانه خلیج فارس (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به دلیل موقعیت استراتژیک خود در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های آبی جهان، یعنی تنگه هرمز، از اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی بالایی برخوردارند. این جزایر به‌عنوان نقطه تلاقی منافع ملی ایران و کشورهای منطقه، همواره در کانون توجه سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران قرار داشته‌اند. علاوه بر نقش مهم این جزایر در امنیت ملی ایران، پتانسیل‌های توسعه‌ای آن‌ها به‌ویژه در حوزه اقتصاد دریامحور، حمل‌ونقل دریایی، و گردشگری پایدار می‌تواند فرصت‌هایی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ایجاد کند. با این حال، وجود تنش‌های ژئوپلیتیکی و اختلافات تاریخی میان ایران و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، مانعی برای تحقق این ظرفیت‌ها بوده است. این چالش‌ها نه تنها ثبات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه زمینه‌ساز افزایش رقابت‌ها و کاهش اعتماد میان بازیگران منطقه‌ای شده است. در این پژوهش، با تأکید بر اهمیت جزایر سه‌گانه در محور توسعه منطقه‌ای، تلاش می‌شود تا نقش این جزایر در تقویت همکاری‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، با بهره‌گیری از رویکرد توسعه پایدار و نظریات ژئوپلیتیکی، راهکارهایی برای مدیریت تنش‌ها و ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای پیشنهاد خواهد شد. جزایر سه‌گانه ایران (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) با موقعیت استراتژیک خود در خلیج فارس، نقش کلیدی در تأمین امنیت منطقه‌ای، کنترل تنگه هرمز و همکاری‌های اقتصادی و زیست‌محیطی ایفا می‌کنند. این جزایر علاوه بر ظرفیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی، موضوع مناقشات سیاسی و مرزی نیز بوده‌اند که بر روابط ایران با کشورهای عربی تأثیرگذار است. در حالی که توسعه پایدار این جزایر می‌تواند بستری برای پیشبرد همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش تنش‌ها فراهم کند، چالش‌های ژئوپلیتیکی، نبود توافقات جامع منطقه‌ای و مداخلات خارجی مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها شده است. بنابراین، بررسی راهبردهای توسعه این جزایر با تأکید بر فرصت‌ها و چالش‌های همکاری منطقه‌ای ضرورت دارد. چه عواملی بر توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس تأثیرگذار هستند؟ توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس می‌تواند نقش مثبتی در ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای داشته

باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی راهبردهای توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس و تأثیر آن بر همکاری‌های منطقه‌ای می‌باشد.

مفاهیم

ژئوپلیتیک^۱

از زمان معرفی واژه ژئوپلیتیک توسط رودلف شیلن در سال ۱۸۹۹ میلادی تاکنون، این حوزه به یک دیدگاه و فلسفه منسجم دست نیافته است. علت اصلی این موضوع را می‌توان در نبود اجماع میان اندیشمندان، شکل‌گیری مکاتب متعدد، و تأثیرات تاریخی و منطقه‌ای جستجو کرد. شیلن، به‌عنوان بنیان‌گذار این واژه، ژئوپلیتیک را به‌عنوان «نظریه‌ای برای کشورداری به مثابه یک ارگانیزم جغرافیایی یا پدیده‌ای فضایی» تعریف کرد. ژئوپلیتیک کلاسیک بر پایه افکار اولیه شیلن شکل گرفته است. پیش از آن نیز، در سال ۱۸۸۷، هالفورد مکیندر مفهوم دقیق ژئوپلیتیک را تعریف نکرد، اما نظریه‌ای با عنوان «سلطه بر زمین» را مطرح نمود که به‌طور مستقیم به تحلیل‌های ژئوپلیتیکی مرتبط است (Özey, 2023:7). جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس، به دلیل موقعیت استراتژیک خود، از اهمیت ژئوپلیتیکی فوق‌العاده‌ای برخوردار هستند. این جزایر در نزدیکی تنگه هرمز، یکی از حیاتی‌ترین مسیرهای حمل‌ونقل انرژی در جهان، قرار دارند. به همین دلیل، نقش آن‌ها در تأمین امنیت انرژی، تجارت بین‌المللی، و حضور نظامی ایران بسیار برجسته است. ارتباط این جزایر با ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی، عمدتاً در زمینه‌های رقابت قدرت‌های بزرگ، مدیریت منابع طبیعی، و تعاملات اقتصادی و نظامی برجسته است. از منظر ژئوپلیتیکی، این جزایر نه تنها به‌عنوان نقاط کلیدی در سیاست خارجی ایران عمل می‌کنند، بلکه حفظ و توسعه آن‌ها می‌تواند در تقویت موقعیت استراتژیک ایران در منطقه خلیج فارس و فراتر از آن نقشی کلیدی ایفا کند.

توسعه پایدار^۲

امروزه مدیریت منابع انسانی با هدف افزایش پتانسیل نوآورانه یک بنگاه اقتصادی با توجه به ویژگی‌های فعالیت‌های آن و وضعیت اجتماعی-اقتصادی فعلی، عاملی کلیدی در دستیابی به اصول توسعه پایدار و اهداف استراتژیک شرکت است. مدیریت منابع انسانی مبتنی بر اصول توسعه پایدار به‌عنوان جزئی از مکانیزم‌های سازمانی و اقتصادی توسعه نوآورانه آنها عمل می‌کند (Klimovskikh et al, 2023:1).

¹ geopolitics

² sustainable development

توسعه پایدار یک اصطلاح گسترده برای توصیف سیاست‌ها، پروژه‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی است که امروزه بدون به خطر انداختن سلامت محیطی، اجتماعی و فردی در آینده، مزایایی را ارائه می‌کنند. این سیاست‌ها اغلب سبز توصیف می‌شوند، زیرا بر محدود کردن تأثیر توسعه بر محیط‌زیست تمرکز دارند. با این حال، مزایای توسعه پایدار در بخش وسیعی از سلامت و رفاه انسان، از جمله کاهش بیماری‌های مرتبط با آلودگی و محیط زیست، بهبود نتایج سلامت و کاهش استرس، احساس می‌شود (who.int, 2024). در اواسط قرن هفدهم، انقلاب صنعتی رشد اقتصادی بی‌سابقه‌ای و پیشرفت‌های بسیاری مانند برق را به جهان ارائه کرد. اما، با وابستگی روزافزون جهان به سوخت‌های فسیلی، این پیشرفت هزینه زیادی برای محیط زیست و جامعه به همراه داشت. در سال ۱۹۸۷، کمیسیون محیط زیست و توسعه سازمان ملل گزارشی به نام آینده مشترک ما (همچنین به عنوان گزارش برون‌داند) منتشر کرد. برای اولین بار، جامعه جهانی با مفهوم توسعه پایدار و اصول راهنمای آن آشنا شد. این گزارش توسعه پایدار را اینگونه تعریف می‌کند: «توسعه‌ای که نیازهای زمان حال را برآورده می‌کند بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده برای برآوردن نیازهای خود را به خطر بیندازد». در سال ۱۹۹۲، اجلاس ریو زمین منجر به دستور کار ۲۱، جهانی بیندیشید، محلی عمل کنید که بر توسعه پایدار از طریق ابتکارات محلی متمرکز بود. در سال ۲۰۱۵، سازمان ملل متحد و ۱۹۳ کشور عضو آن اهداف بلندپروازانه توسعه پایدار (SDGs) را تصویب کردند. این یک برنامه ۱۵ ساله است که به ۱۷ موضوع جهانی و مرتبط با یکدیگر، از جمله کاهش فقر و گرسنگی، پایان دادن به تبعیض و جلوگیری از پیامدهای بلندمدت تغییرات آب و هوایی می‌پردازد (monash.edu, 2024). توسعه پایدار به معنای تحقق رشد و پیشرفت در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به گونه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را تأمین کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان به خطر بیفتد. این رویکرد بر ایجاد تعادل میان استفاده از منابع طبیعی، عدالت اجتماعی، و رشد اقتصادی تأکید دارد. در چارچوب توسعه پایدار، تلاش می‌شود تا بهره‌وری از منابع با کمترین تأثیر منفی بر محیط‌زیست انجام شود و در عین حال، رفاه و کیفیت زندگی برای همه افراد جامعه بهبود یابد. این مفهوم به‌ویژه در مناطق حساس و استراتژیکی همچون جزایر سه‌گانه خلیج فارس، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، چرا که حفظ تعادل میان توسعه اقتصادی، رفاه ساکنان محلی و حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی برای تقویت همکاری‌های منطقه‌ای ضروری است. توسعه پایدار جزایر خلیج فارس به معنای برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌هایی است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی این مناطق، تعادل میان رشد اقتصادی، رفاه ساکنان و حفاظت از محیط‌زیست را حفظ کند. این جزایر به دلیل موقعیت استراتژیک خود در تنگه هرمز و نقش حیاتی در امنیت ملی و حمل‌ونقل بین‌المللی، پتانسیل بالایی برای توسعه در حوزه‌هایی مانند

تجارت دریایی، گردشگری پایدار و استفاده از منابع طبیعی دارند. با این حال، هرگونه توسعه باید با رعایت اصول توسعه پایدار، از جمله حفاظت از اکوسیستم‌های دریایی، تأمین عدالت اجتماعی برای جوامع محلی و ایجاد زیرساخت‌های مقاوم و کم‌اثر بر محیط‌زیست انجام شود تا علاوه بر تحقق منافع ملی، زمینه‌ساز همکاری‌های منطقه‌ای و ثبات بلندمدت در خلیج فارس باشد. اما توسعه در این مناطق نباید صرفاً اقتصادی باشد؛ بلکه باید با توجه به عدالت اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست پیش رود. عدالت اجتماعی شامل ارتقای کیفیت زندگی ساکنان جزایر، توسعه زیرساخت‌های آموزشی و بهداشتی، و افزایش فرصت‌های شغلی برای آن‌هاست. از سوی دیگر، محیط‌زیست دریایی این جزایر، با تنوع زیستی غنی و حساسیت بالای خود، نیازمند حفاظت و بهره‌برداری مسئولانه است. تخریب اکوسیستم‌های مرجانی و آلودگی دریایی می‌تواند نه تنها زیست‌بوم منطقه، بلکه امنیت غذایی و اقتصادی را نیز تحت تأثیر قرار دهد. توسعه پایدار جزایر خلیج فارس بر اساس اهمیت استراتژیک، اقتصادی و زیست‌محیطی این مناطق، به معنای ایجاد تعادل میان بهره‌برداری از ظرفیت‌های موجود و حفاظت از منابع برای نسل‌های آینده است. جزایر خلیج فارس، به‌ویژه جزایر سه‌گانه، به دلیل قرار گرفتن در مجاورت تنگه هرمز، نقشی بی‌بدیل در حمل‌ونقل بین‌المللی انرژی و تجارت دریایی دارند. این جزایر از پتانسیل‌های فراوانی برای توسعه اقتصادی در زمینه‌هایی نظیر بندرگاه‌های پیشرفته، شیلات، گردشگری پایدار و انرژی‌های تجدیدپذیر برخوردارند. در چارچوب توسعه پایدار، سیاست‌گذاری‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که به جای بهره‌برداری کوتاه‌مدت و مخرب، به رشد پایدار و بلندمدت منجر شوند. بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل دریایی و بندری، توسعه گردشگری مبتنی بر حفاظت از محیط‌زیست، و استفاده از انرژی‌های پاک، نمونه‌هایی از اقدامات هماهنگ با این رویکرد هستند. افزون بر این، با توجه به اهمیت این جزایر در امنیت ملی و منافع ژئوپلیتیکی ایران، توسعه پایدار آن‌ها می‌تواند بستری برای ارتقای همکاری‌های منطقه‌ای و کاهش تنش‌های سیاسی در خلیج فارس فراهم کند. به طور کلی، توسعه پایدار جزایر خلیج فارس می‌تواند به الگویی موفق از هم‌افزایی میان توسعه اقتصادی، رفاه اجتماعی و حفاظت از محیط‌زیست تبدیل شود که نه تنها منافع ملی ایران، بلکه ثبات و همکاری منطقه‌ای را نیز تقویت می‌کند.

نظریه بازی‌ها^۳

تئوری بازی یک رویکرد رسمی است که در اقتصاد و علوم سیاسی و همچنین در زمینه‌های خاصی از علوم کامپیوتر، جامعه‌شناسی و زیست‌شناسی مفید واقع شده است. با این حال، به دلیل مفروضات قوی آن در

³ Game Theory

مورد رفتار انسانی، در روانشناسی شناختی و اجتماعی جذابیت کمی پیدا کرده است. تئوری بازی‌ها از نظر ریاضی، تعاملات اجتماعی را توصیف می‌کند که در آن اقدامات یک بازیکن بر آنچه برای بازیکن دیگر اتفاق می‌افتد تأثیر می‌گذارد. شرح بازی یا تعامل استراتژیک شامل بازیکنان، استراتژی‌های آنها، اطلاعاتی که در اختیار دارند (Colin, 2015:157). در اصل، نظریه بازی مجموعه‌ای از مدل‌های دقیق با هدف توضیح موقعیت‌هایی است که در آن تصمیم‌گیرندگان باید با یکدیگر تعامل داشته باشند (Lee and Dorris, 2014: 493). نظریه بازی‌ها (Game Theory) چارچوبی است برای تحلیل تعاملات استراتژیک میان بازیگران، مانند کشورها، در شرایطی که تصمیم‌های هر بازیگر بر نتایج دیگران تأثیر می‌گذارد. این نظریه به ویژه در شرایط رقابتی یا همکاری مفید است و می‌تواند به شناسایی استراتژی‌هایی منجر شود که به نتایج برد-برد ختم می‌شوند. برای مثال، در مورد ایران و کشورهای خلیج فارس، نظریه بازی‌ها می‌تواند نشان دهد که چگونه از طریق مذاکرات، این کشورها می‌توانند منافع مشترکی مانند تأمین امنیت انرژی، توسعه اقتصادی و مدیریت منابع طبیعی را شناسایی و دنبال کنند. با ایجاد سناریوهایی که در آن هر کشور به جای تمرکز بر منافع کوتاه‌مدت و رقابت‌محور، به همکاری بلندمدت توجه کند، نظریه بازی‌ها امکان دستیابی به تعادل برد-برد را فراهم می‌کند، جایی که هر بازیگر به سود نسبی خود دست یافته و از افزایش تنش‌های منطقه‌ای جلوگیری می‌شود. این سه جزیره که در خلیج فارس واقع شده‌اند، از نظر استراتژیک و جغرافیایی اهمیت زیادی دارند و از دیرباز بخشی از قلمرو ایران بوده‌اند. جزایر تنب بزرگ و تنب کوچک در نزدیکی تنگه هرمز قرار دارند و به‌طور مستقیم بر امنیت این آبراه مهم تأثیر می‌گذارند. ابوموسی نیز به دلیل موقعیتش در نزدیکی خطوط کشتیرانی بین‌المللی، اهمیت ویژه‌ای دارد. براساس شواهد تاریخی و اسناد موجود، این جزایر همواره تحت حاکمیت ایران بوده‌اند. در دوران قاجار و پهلوی، حاکمیت ایران بر این جزایر مورد تأیید قرار گرفت. در سال ۱۹۷۱، هم‌زمان با خروج نیروهای بریتانیایی از خلیج فارس، ایران حاکمیت خود را بر این جزایر اعمال کرد. این جزایر به‌عنوان نقاطی کلیدی در تنگه هرمز، بر تجارت نفت و امنیت دریایی در منطقه تأثیر بسزایی دارند. از سوی دیگر، منابع طبیعی و زیست‌محیطی، به‌ویژه ذخایر ماهیگیری و گاز، به اهمیت اقتصادی این جزایر افزوده است. با استفاده از نظریه بازی‌ها می‌توان تنش‌های مربوط به جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) را از منظر تعاملات استراتژیک بین ایران و امارات متحده عربی تحلیل کرد. در این چارچوب، وضعیت به‌صورت یک بازی دوطرفه دیده می‌شود که هر دو بازیگر (ایران و امارات) به دنبال حداکثر کردن منافع خود هستند، اما تصمیمات آن‌ها بر اساس اقدامات طرف مقابل شکل می‌گیرد. براساس نظریه بازی‌ها، رویکرد مذاکره و همکاری (بازی مجموع مثبت)

بهترین راهکار است. این رویکرد به کاهش تنش‌ها و تقویت روابط ایران و امارات کمک می‌کند، همچنین از اثرات منفی بر امنیت منطقه‌ای و تجارت جهانی جلوگیری می‌کند.

روش پژوهش

برای بررسی توسعه جزایر سه‌گانه خلیج فارس (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک)، روش پژوهش توصیفی-تحلیلی مناسب است. در این روش، ابتدا وضعیت ژئوپلیتیکی موجود جزایر از طریق منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بررسی می‌شود. سپس، چالش‌ها و فرصت‌های موجود در زمینه توسعه این جزایر با استفاده از تحلیل محتوا و داده‌های موجود شناسایی می‌شود تا راهکارهای مناسب برای توسعه اقتصادی و ژئوپلیتیکی ارائه شود. این پژوهش می‌تواند به سیاست‌گذاران در تدوین استراتژی‌های همکاری منطقه‌ای و مدیریت چالش‌های بین‌المللی کمک کند.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

عوامل تأثیرگذار بر توسعه پایدار جزایر سه‌گانه خلیج فارس

عوامل ژئوپلیتیکی

خلیج فارس جدا از جنبه‌های مختلف اهمیت خود، از نظر مناقشات سرزمینی و مرزی، تنش‌های ملی و درگیری‌ها و کشمکش‌های مرزی از همه مکان‌های بین‌المللی برتری دارد. تقریباً همه کشورهای خلیج فارس، به ویژه امارات، درگیر نوعی درگیری ارضی و مرزی با ایران هستند. اختلاف ایران و امارات یکی از بحث برانگیزترین موضوعات، مانع بین آنهاست. استعمار انگلیس یکی از عواملی بود که در بروز این درگیری نقش داشت. دیدگاه‌های بین‌المللی و عربی درباره این مناقشه متفاوت بود، این اختلاف نظر موضوع کنفرانس‌ها، سمپوزیوم‌ها، گفت‌وگوها و گفت‌وگوهای متعددی بوده است، اما هیچ قطعنامه‌ای به دست نیامده است. بین تشدید و آرامش در نوسان است و متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی در این امر نقش دارند. دیدگاه‌های بین‌المللی و عربی از راه‌حل مسالمت‌آمیز مناقشه، صلح‌طلبی و استفاده از گفت‌وگو به عنوان ابزاری برای حل منازعه حمایت می‌کنند (Ali Ghafil Hasan, 2022:144). عوامل ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر توسعه جزایر سه‌گانه ایران (تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی) به موقعیت استراتژیک این جزایر در خلیج فارس و نزدیکی آنها به تنگه هرمز، یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های انتقال انرژی جهان، برمی‌گردد. این موقعیت باعث شده که جزایر به‌عنوان نقاط کلیدی در حفظ امنیت و حاکمیت ملی ایران مطرح شوند. از سوی دیگر، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سر کنترل منابع و مسیرهای

ترانزیتی خلیج فارس، اهمیت این جزایر را در سیاست خارجی و امنیت ملی ایران افزایش داده است. اختلافات ارضی با برخی کشورهای همسایه نیز به این مسئله پیچیدگی بیشتری افزوده و بر ضرورت تقویت حضور ایران در این جزایر تأکید دارد. همچنین، جزایر سه‌گانه می‌توانند نقش مهمی در تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و تثبیت جایگاه آن به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در تعاملات بین‌المللی ایفا کنند.

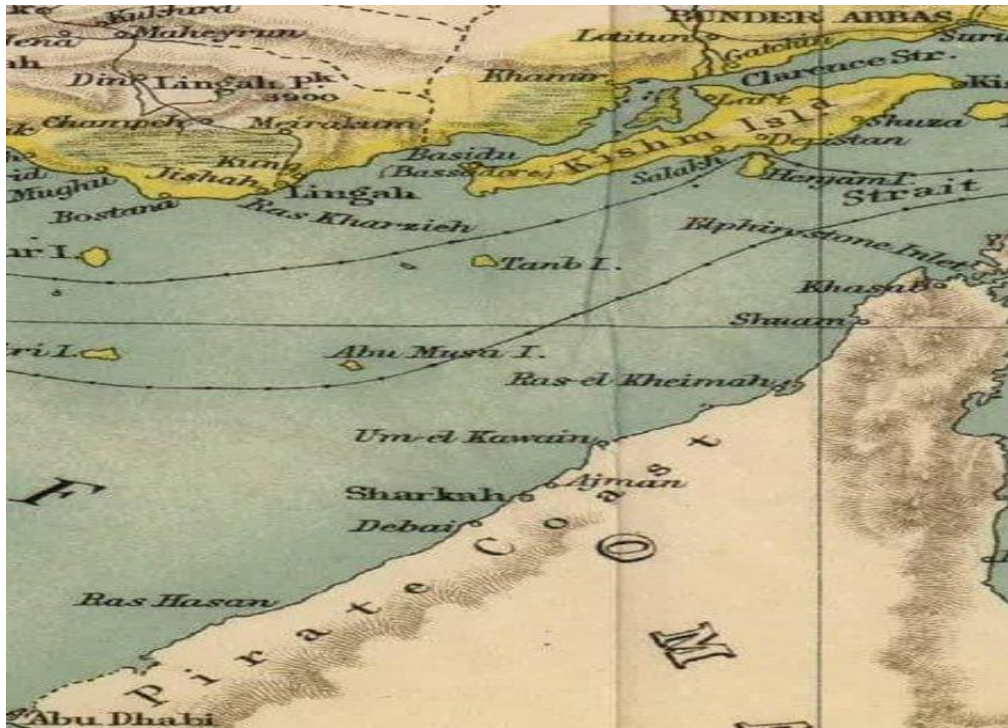
عوامل اقتصادی

رویکرد اصلی امارات در سال‌های اخیر در تعامل با کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تأکید بر تجارت، توسعه و تولید ثروت برای کاهش وابستگی به نفت است. در همین راستا، امارات در سال‌های اخیر روابط تجاری خوبی با ایران به‌عنوان یکی از همسایگان خود داشته است. عموماً کشورهایی که سیاست توسعه اقتصادی و تجاری را به‌عنوان اولویت خود انتخاب می‌کنند، از ثبات و امنیت منطقه‌ای حمایت می‌کنند و سیاست تنش‌زدایی در راس رویکردهای آنها قرار دارد. این در حالی است که دو رویکرد امارات در توسعه اقتصادی و ایجاد تنش با ایران در موضوع جزایر سه‌گانه متناقض و ناسازگار است. با توجه به شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی، بدیهی است که امارات در مقاطعی رفتار تنش‌زا و اقدامات تحریک‌آمیزی را علیه منافع حیاتی ایران در رابطه با جزایر سه‌گانه اعمال کرده و تصور می‌کند که در شرایط کنونی خروج از آنها را به دنبال خواهد داشت. به نوعی عقب‌نشینی تعبیر می‌شود. این در حالی است که شواهد تاریخی و دلایل قانونی نشان می‌دهد که ادعاهای امارات بی‌اساس است. بنابراین پذیرش واقعیات در نظام بین‌الملل امروز بر اساس شواهد و دلیل به معنای عقب‌نشینی از منافع نیست. بنابراین کشورها باید برای تنظیم روابط خود با ایران به واقعیت‌ها و خطوط قرمز ایران احترام بگذارند زیرا ممکن است در روابط آینده با ایران با چالش‌های غیرقابل حلی مواجه شوند. یکی از این خطوط قرمز تمامیت ارضی ایران است (www.ipis.ir, 2023). عوامل اقتصادی تأثیرگذار بر توسعه جزایر سه‌گانه ایران شامل مجموعه‌ای از پتانسیل‌ها و فرصت‌هایی است که می‌توانند به رشد اقتصادی ملی و منطقه‌ای کمک کنند. این جزایر به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، امکان تبدیل شدن به مراکز تجارت و ترانزیت دریایی را دارند که می‌تواند باعث افزایش تعاملات اقتصادی ایران با کشورهای خلیج فارس و سایر مناطق شود. همچنین، توسعه گردشگری در این جزایر، با توجه به ویژگی‌های طبیعی و تاریخی آنها، می‌تواند منبع درآمد پایدار و عاملی برای جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی باشد. صنعت شیلات نیز، با استفاده از منابع غنی آبزیان خلیج فارس، یکی از ظرفیت‌های اقتصادی مهم این جزایر است که اشتغال‌زایی و تأمین نیازهای غذایی را تسهیل می‌کند. علاوه بر این، امکان اکتشاف و استخراج منابع طبیعی مانند نفت و گاز در محدوده این جزایر، به‌عنوان عاملی کلیدی در توسعه اقتصادی آنها، می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در بازار انرژی جهانی کمک کند. به طور کلی، استفاده بهینه از این

ظرفیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و ایجاد زیرساخت‌های لازم است تا جزایر سه‌گانه به محرک‌های اقتصادی پایدار برای کشور تبدیل شوند.

عوامل امنیتی و دفاعی

با شروع سال ۲۰۱۶، موقعیت نیروی دریایی ایران در خلیج فارس از استراتژی تدافعی-تهاجمی که از سال ۲۰۰۱ اجرا شده بود، به استراتژی تهاجمی تغییر کرد. این امر در سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ تقویت شد، زمانی که در پاسخ به دولت ترامپ، استراتژیست‌های نظامی ایران به این نتیجه رسیدند که هرگونه رویارویی بالقوه با دشمنان این کشور احتمالاً در دریا رخ می‌دهد تا زمین یا هوا. پس از پایان جنگ ایران و عراق، استراتژی‌های دریایی ایران را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد که هرکدام با دوره‌های مختلف مصادف شده‌اند: تدافعی (۱۹۸۸-۲۰۰۱)، تدافعی-تهاجمی (۲۰۰۱-۲۰۱۶) و تهاجمی (از سال ۲۰۱۶). تشدید حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و تهدیدات علیه ایران نقش اساسی در اتخاذ استراتژی دریایی تهاجمی توسط تهران داشته است. از ویژگی‌های این استراتژی جدید می‌توان به توسعه برنامه‌های موشک‌های بالستیک و کروز اشاره کرد (Bagheri Dolatabadi and Kamrava, 2022:131). انگلیس به دلیل خصومتی که با ایران ایجاد کرده بود، امارات را برانگیخت تا موضوع جزایر سه‌گانه را مطرح کند تا این امر موانعی را بر سر راه نزدیک شدن به یکدیگر قرار دهد. روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس در عین حال، حمایت و همکاری اخیر اتحادیه اروپا از ادعاهای امارات را نیز باید در چارچوب تحولات منطقه، جنگ اوکراین و فشار بر ایران مورد توجه قرار داد (www.scfr.ir, 2024). جزایر سه‌گانه (تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی) به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود در خلیج فارس، از اهمیت بالایی امنیتی و دفاعی برخوردارند. این جزایر به‌عنوان نقاط کلیدی برای کنترل تردد کشتی‌ها در آبراه استراتژیک خلیج فارس عمل می‌کنند و نقش مهمی در حفاظت از مرزهای آبی ایران دارند. حضور نظامی ایران در این جزایر نه تنها برای جلوگیری از تهدیدات خارجی و حفاظت از حاکمیت ملی ضروری است، بلکه به تضمین امنیت انرژی و حفظ ثبات در منطقه نیز کمک می‌کند. این جزایر به‌واسطه نزدیکی به تنگه هرمز، که یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های انرژی در جهان است، به‌عنوان پایگاه‌های استراتژیک برای ایران عمل می‌کنند. هرگونه اقدام نظامی یا تهدید علیه این جزایر می‌تواند تأثیر مستقیم بر امنیت ملی و توانایی ایران در دفاع از منافع خود در خلیج فارس داشته باشد. از این رو، تقویت زیرساخت‌های نظامی و دفاعی در این مناطق و حضور پایدار نیروهای مسلح، گامی حیاتی برای مقابله با چالش‌های امنیتی و افزایش بازدارندگی در برابر تهدیدات است.

نقشه شماره ۱: جزایر سه گانه خلیج فارس^۴

Source:

<https://italy.mfa.gov.ir>

نتیجه گیری

جزایر سه گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی) به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد خود در خلیج فارس، به عنوان یکی از مهم ترین نقاط ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی ایران شناخته می شوند. این جزایر، به دلیل قرارگیری در نزدیکی تنگه هرمز، که یکی از مهم ترین گذرگاه های انتقال انرژی جهان است، جایگاه ویژه ای در استراتژی های ژئوپلیتیکی ایران دارند. رقابت قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای برای کنترل این مناطق نشان دهنده اهمیت ژئوپلیتیکی آن ها در تحولات سیاسی و امنیتی خلیج فارس است. این موقعیت استراتژیک، علاوه بر ایجاد فرصت هایی برای ایران، چالش هایی نیز به همراه دارد که نیازمند مدیریت هوشمندانه و تصمیم گیری های استراتژیک است. در حوزه اقتصادی، این جزایر از ظرفیت های فراوانی برای توسعه برخوردارند. فعالیت های تجاری، ترانزیتی، و گردشگری می توانند زمینه ساز رشد اقتصادی منطقه و بهبود معیشت جوامع محلی شوند. همچنین، منابع طبیعی این جزایر و پتانسیل شیلاتی آن ها می توانند به عنوان محرکی برای افزایش تولید و درآمد ملی به کار گرفته شوند. از

^۴انجمن جغرافیایی سلطنتی بریتانیا در سال ۱۸۹۲ در لندن منتشر کرده است

سوی دیگر، توجه به ایجاد زیر ساخت‌های پایدار و سرمایه‌گذاری‌های مناسب، برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌ها ضروری است. در بُعد امنیتی و دفاعی، جزایر سه‌گانه به‌عنوان ستون‌های کلیدی دفاع از مرزهای آبی و تأمین امنیت خلیج فارس عمل می‌کنند. حضور نظامی ایران در این جزایر، نه تنها برای حفاظت از حاکمیت ملی بلکه برای مقابله با تهدیدات خارجی و تأمین ثبات منطقه‌ای ضروری است. تقویت توانمندی‌های دفاعی و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای می‌تواند تضمین‌کننده امنیت این مناطق و جلوگیری از هرگونه تهدید علیه منافع ملی ایران باشد. در نهایت، جزایر سه‌گانه ایرانی به‌عنوان نماد حاکمیت و اقتدار ملی، نقشی چندبعدی در سیاست‌های ژئوپلیتیکی، اقتصادی و امنیتی ایران ایفا می‌کنند. به همین دلیل، توجه هم‌زمان به بهره‌برداری اقتصادی، حفظ امنیت و توسعه پایدار در این جزایر، راهکاری اساسی برای تقویت موقعیت ایران در خلیج فارس و افزایش نقش‌آفرینی کشور در تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی است.

منابع

- Ali Ghafil Hasan. (2022). The Dispute Over the Three Islands (Lesser Tunb, Greater Tunb and Abu Musa) Has Affected Uae-Iran Relations. *Periodica Journal of Modern Philosophy, Social Sciences and Humanities*, 5, 144–154. Retrieved from <https://www.periodica.org/index.php/journal/article/view/92>.
- Bagheri Dolatabadi Ali, Kamrava Mehran.(2022). Iran's changing naval strategy in the Persian Gulf: motives and features, Pages 131-148, <https://doi.org/10.1080/13530194.2022.2105815>.
- Colin F Camerer , Teck-Hua Ho, Juin Kuan Chong.(2015). A psychological approach to strategic thinking in games, *Current Opinion in Behavioral Sciences*, Volume 3, June 2015, Pages 157-162, <https://doi.org/10.1016/j.cobeha.2015.04.005>.
- Daeyeol Lee, Michael C. Dorris.(2014). Brain Circuitry for Social Decision Making in Non-Human Primates, *Neuroeconomics (Second Edition)*, Pages 493-511, <https://doi.org/10.1016/B978-0-12-416008-8.00026-7>.
- <https://www.monash.edu/msdi/about/sustainable-development/what-is-it>.
- <https://www.scfr.ir/en/politics/305526/behind-the-scenes-of-uaes-claims-about-irans-three-islands/>.
- <https://www.ipis.ir/en/bookview1/730475/emirate-claim-and-judgment-of-history-and-rights>.
- https://www.who.int/health-topics/sustainable-development#tab=tab_1

- Klimovskikh, N., Sekerin, V., Makushkin, S., Kuzmicheva, A., Leontev, M. ., & Kochetkov, E. (2023). Impact of human resource management on improving the innovation potential of an enterprise to achieve the principles of sustainable development. *Journal of Law and Sustainable Development*, 11(1), e0274. P1-13, <https://doi.org/10.37497/sdgs.v11i1.274>.
- Mohammad, R.C., Sadeghiaval, H. (۲۰۲۳). The Security Order in the Persian Gulf and Its Challenges. In: Eslami, M., Guedes Vieira, A.V. (eds) *The Arms Race in the Middle East. Contributions to International Relations*. Springer, Cham. pp 15–30, https://doi.org/1-۳۲۴۳۲-۰۳۱-۳-۹۷۸/۱۰/۱۰۰۷_۲.